

جلسه پنجم: تطبیق بین موضوع رسالت انبیاء و هدف قیام سید الشهداء (۳)

سومین هدف ارسال پیامبران در قرآن کریم: ایجاد حاکمیتی برای تحقق قسط و عدل در جامعه

❖ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ ﴿حديد: ٢٥﴾

به راستی [اما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می کند آری خدا نیرومند شکست ناپذیر است

❖ وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ ﴿نساء: ٦٤﴾

و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه - به توفیق الهی - از او اطاعت کنند.

❖ أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَآتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا ﴿نساء: ٥٤﴾

آیا به مردم برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می ورزند در حقیقت ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم.

❖ وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ ﴿آل عمران، آیه ١٤٦﴾

و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده های انبوه کارزار کردند

* سومین هدف قیام در کلام سید الشهداء (علیه السلام): ایجاد حکومت الهی

• در روایتی به نقل از عثمان نهدی آمده است که امام حسین علیه السلام، به وسیله غلامش سلیمان، نامه ای خطاب به بزرگان بصره فرستاد که در آن آمده است:

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَأَكْرَمَهُ بِنُبُوَّتِهِ، وَاخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبَضَهُ إِلَيْهِ، وَقَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ، وَبَلَغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَكُنَّا أَهْلَهُ وَأَوْلِيَاءَهُ وَأَوْصِيَاءَهُ وَوَرَثَتَهُ وَأَحَقَّ النَّاسَ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمَنَا بِذَلِكَ، فَرَضِينَا وَكَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَأَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَنَحْنُ نَعْلَمُ أَنَا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِمَّنْ تَوَلَّاهُ، وَقَدْ أَحْسَنُوا وَأَصْلَحُوا، وَتَحَرَّوْا الْحَقَّ فَرَحِمَهُمُ اللَّهُ وَغَفَّرَ لَنَا وَلَهُمْ.

وَقَدْ بَعَثْتُ رَسُولِي إِلَيْكُمْ بِهَذَا الْكِتَابِ، وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَسُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ؛ فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أُمِّيَّتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَّتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَتَطِيعُوا أَمْرِي، أَهْدِيكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ، وَالسَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةَ اللَّهِ.

اما بعد، خداوند، محمد صلی الله علیه و آله را برای بندگانش برگزید و با نبوتش، او را گرامی داشت و او را برای رسالتش انتخاب کرد، آن گاه، او را به سوی خودش بُرد، در حالی که او برای بندگانش خیرخواهی کرد و هر چه را که به او فرستاده بود، ابلاغ نمود؛ و ما دودمان و نزدیکان و وارثان او و

شایسته‌ترین‌ها نسبت به او و به جایگاهش در میان مردمیم. مردم، به ما بر سر این، زور گفتند. ما هم رضایت دادیم و از تفرقه، ناخشنود بودیم و آسایش را برای مردم، دوست داشتیم، در حالی که می‌دانیم که شایسته‌تر به این حقیم از کسی که آن را [به ناحق] گرفته است. آنان، نیکی کردند و اصلاحگری نمودند و شایسته حق بودند. خدا، رحمتشان کند و ما و آنان را بیامرزد!

این نامه را برایتان فرستادم و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش دعوت می‌کنم که همانا سنت را میرانند و بدعت را احیا کردند. سخمن را بشنوید و از فرمانم، اطاعت کنید، که اگر چنین کنید، به راه درست، راهنمایی‌تان می‌کنم. سلام و رحمت خدا بر شما باد!

• امام حسین علیه السلام در سخنرانی نخست خود در برابر حر و یاران او فرمود:

أَيُّهَا النَّاسُ! فَإِنَّكُمْ إِن تَتَّقُوا وَ تَعْرِفُوا الْحَقَّ لِأَهْلِهِ يَكُنْ أَرْضَى لِلَّهِ، وَ نَحْنُ أَهْلُ الْبَيْتِ أَوْلَى بِوَلَايَةِ هَذَا الْأَمْرِ عَلَيْكُمْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُدَّعِينَ مَا لَيْسَ لَهُمْ، وَ السَّائِرِينَ فِيكُمْ بِالْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ.^۲ ای مردم! اگر پروا پیشه کنید و حق (حکومت) را برای اهلش به رسمیت بشناسید، برای خداوند، مورد پسندتر است. ما اهل بیت، برای عهده داری این کار بر شما، از این مدعیانی که حششان نیست و از اینهایی که با شما به جفا و دشمنی رفتار می‌کنند، شایسته‌تریم.

• امام ضمن پاسخ نامه‌های کوفیان نیز نوشتند:

فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْعَامِلُ بِالْكِتَابِ، وَ الْآخِذُ بِالْقِسْطِ، وَ الدَّائِنُ بِالْحَقِّ، وَ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ؛. امام و پیشوای مسلمانان کسی است که به کتاب خدا عمل نموده راه قسط و عدل را در پیش گیرد و از حق پیروی کرده با تمام وجود خویش مطیع فرمان خدا باشد.

• در خطبه امام حسین علیه السلام در منا و در حضور ۴۰۰ تن از صحابه و ۸۰۰ تن از تابعین که همه از علمای جهان اسلام بودند می‌فرماید:

* خداوند چند بار در قرآن به روحانیون مسیحی و یهودی به شدت حمله فرموده و آنها را توبیخ کرده است که چرا مردان خدا در جامعه و حکومت بی‌عدالتی و فساد دیدند و سکوت کردند؟ چرا اعتراض و انتقاد نکردند؟ و فریاد نکشیدند؟ خداوند علمای مسیحی، یهودی و روحانیون آگاهان ادیان قبل را نکوهش کرد زیرا ستمگرانی جلوی چشم آنها فساد میکردند و اینان میدیدند و سکوت میکردند و دم بر نمی‌آوردند. خداوند چنین کسانی را کافر خوانده و توبیخ کرده که چرا در برابر بی‌عدالتی و تبعیض و فساد در حکومت و جامعه‌ی اسلامی ساکت هستید و همه چیز را توجیه و ماستمالی میکنید و رد می‌شوید؟ چرا سکوت کرده‌اید؟...

وَ أَنْتُمْ أَكْثَرُ النَّاسِ مُصِيبَةً لِمَا غَلِبْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ مَنَازِلِ الْعُلَمَاءِ لَوْ كُنْتُمْ تَسْعُونَ. ذَلِكَ بِأَنَّ مَجَارِي الْأُمُورِ وَ الْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءِ عَلَى حَالِهِ وَ حَرَامِهِ. فَأَنْتُمْ الْمَسْلُوبُونَ تِلْكَ الْمَنْزِلَةَ. وَ مَا سَلَبْتُمْ ذَلِكَ، إِلَّا بِتَفْرِقِكُمْ عَنِ الْحَقِّ وَ اخْتِلَافِكُمْ فِي السُّنَّةِ بَعْدَ الْبَيِّنَةِ الْوَاضِحَةِ. وَ لَوْ صَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذَى وَ تَحَمَّلْتُمُ الْمُؤَنَسَةَ فِي ذَاتِ اللَّهِ، كَانَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَرْدٌ وَ عَنكُمْ تَصَدُّرٌ وَ إِلَيْكُمْ تَرْجِعُ. وَ لَكِنَّكُمْ مَكَّنْتُمُ الظُّلْمَةَ مِنْ مَنَزِلَتِكُمْ وَ اسْتَسَلَّمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ. سَلَطَهُمْ عَلَى ذَلِكَ فِرَارُكُمْ مِنَ الْمَوْتِ وَ إِعْجَابُكُمْ بِالْحَيَاةِ الَّتِي هِيَ مَفَارِقَتُكُمْ.

۱. شیخ مفید، الارشاد، ص ۲۰۴. طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۶ ص ۱۹۶.

شما نیز می‌بایست این ستمگران و فاسدان را نهی از منکر می‌کردید و نکرديد، و مصیبتان از همه بالاتر است. چون عالم به دین و اصحاب پیامبر بودید و چشم مردم به شما بود و شما را نماینده‌ی اسلام میدانستند. مجرای حکومت و مدیریت و رهبری جامعه باید به دست علمای الهی باشد که امین بر حلال و حرام خداوند هستند، اما شما کاری کردید که این مقام را از آنها گرفتند و موفق شدند حکومت را منحرف کنند، زیرا شما زیر پرچم حق متحد نشدید و پراکنده و متفرق شدید و در سنت الهی اختلاف کردید با این که همه چیز روشن بود. اگر حاضر بودید زیر بار شکنجه و توهین، مخالفت کنید و در راه خدا رنج ببرید، حکومت در دست صالحان بود، اما شما در برابر بی‌عدالتی و ستمگران، تمکین و امور الهی و حکومت را به اینان تسلیم کردید، حال آنکه آنان به شبهات عمل می‌کنند و طبق شهادت خود حکومت می‌کنند و دین را از حکومت تفکیک کردند.

فرار شما از مرگ، اینان را بر جامعه مسلط کردند، شما به زندگی دنیایی چسبیده‌اید و حاضر نیستید از آن جدا شوید. اما بدانید که هر کس در راه خدا کشته نشود، عاقبت می‌میرد. آیا گمان می‌کنید اگر شهید نشوید تا ابد زنده می‌مانید؟ اما اگر شهید نشوید، مدتی بعد با ذلت می‌میرید. شما از دنیا دست بر نمی‌دارید، اما دنیا از شما دست برمی‌دارد. پس ای علمای الهی، تا دیر نشده جانتان را در خطر بیاندازید و از حیثیتان در راه دین و ارزشها مایه بگذارید و فداکاری کنید. شما این ضعفا و مستضعفین و فقرا و محرومین را دست بسته تحویل دستگاه ظالم داده‌اید.

گروههایی از مردم برده‌ی اینان شده‌اند و مثل برده‌های مقهور و شکست خورده، زیر دست و پای آنان له میشوند... در هر شهری عده‌ای را گماشته‌اند که افکار عمومی را بسازند و به مردم دروغ بگویند. مردم نمیتوانند دستی را که به سمتشان می‌آید تا به آنها زور بگویند، عقب بزنند و از خود دفاع کنند. شما همه‌ی این صحنه‌ها را میدیدید و کاری نمی‌کردید.

اینان عده‌ای ستمگر و صاحبان قدرت‌اند که علیه ضعفا و محرومین بسیار خشن عمل می‌کنند و به روش غیر اسلامی حکومت می‌کنند و متاسفانه بی‌چون و چرا هم اطاعت می‌شوند. در حالی که نه خدا را می‌شناسند و نه آخرت را قبول دارند. تعجب می‌کنم از شما که این زمین زیر پای ظالمان صاف و پهن است، عده‌ای باج بگیر حکم میرانند، و کارگزاران حکومت هم بویی از عطفه و انسانیت و مهربانی نبرده‌اند و شما هم باز ساکتید.

خداوند از شما انتقام خواهد گرفت. مقام شما از کرامات خداست. دستاورد خودتان نیست. شما مردان الهی و مجاهدان و عدالت‌خواهان را اکرام و احترام نمی‌کنید و تکلیف شناسان را قدر نمیدهید. حال آنکه به نام خدا در میان مردم محترمید. میبینید که پیمانهای خدا در این جامعه نقض میشود و آرام نشسته‌اید و فریاد نمی‌زنید اما همین که به یکی از میثاقهای پدرانتان بی‌حرمتی شود داد و بیداد به راه می‌اندازید. میثاق خدا و پیامبر خدا زیر پا گذاشته شده، شما آرامید، سکوت کرده و آن را توجیه می‌کنید. حال میثاق پیامبر در این جامعه تحقیر شده است؛ لاله‌ها، زمینگیران، کوران، فقرا و بیچاره‌ها در سرزمین‌های اسلامی بر روی زمین رها شده‌اند و بی‌پناهند و کسی به اینها رحم نمی‌کند. شما به این وظیفه‌ی دینی و الهی‌تان عمل نمی‌کنید و کسی مثل من هم که می‌خواهد عمل کند، کمکش نمی‌کنید.

«اللَّهُمَّ أَنْتَ تَعَلَّمَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ مَا كَانَ مِنَّا تَنَافُسًا فِي سُلْطَانٍ، وَلَا التَّمَسُّسَ مِنْ فَضُولِ الْحَطَامِ، وَلَكِنْ لِنَرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ، وَ نَظْهَرَ الْإِصْلَاحَ فِي بِلَادِكَ، وَ يَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ، وَ يَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَّتِكَ وَ أَحْكَامِكَ»؛ خداوند! تو می‌دانی که آنچه از ما (در طریق تلاش برای بسیج مردم) صورت گرفت، به خاطر رقابت در امر زمامداری و یا به جنگ آوردن ثروت و مال نبود، بلکه هدف ما آن است که نشانه‌های دین تو را آشکار سازیم و اصلاح و درستی را در همه بلاد بر ملا کنیم تا بندگان مظلومت آسوده باشند و فرایض و سنت‌ها و احکامات مورد عمل قرار گیرد

فَإِنْ لَمْ تَنْصُرُونَا وَ تَنْصِفُونَا قَوِيَ الظُّلْمَةُ عَلَيْكُمْ وَ عَمِلُوا فِي إِطْفَاءِ نُورِ نَبِيِّكُمْ. وَ حَسَبْنَا اللَّهَ، وَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا، وَ إِلَيْهِ أُنَبْنَا، وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ؛ بنا بر این، شما (گروه علمای دین) اگر ما را در انجام این مقصود یاری نکنید و حق ما را از غاصبان نستانید؛ ستمگران بر شما چیره شوند و در خاموش کردن نور پیامبرتان بکوشند. خدای یگانه ما را کفایت است؛ و بر او تکیه می‌کنیم؛ و به سوی او رو می‌آوریم. و سرنوشت به دست او و بازگشت به اوست.